

بررسی تطبیقی تقصیر زیان دیده در رفع مسئولیت مدنی پلیس

غفور خوئینی^۱، رضا بیرانوند^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: گاهی زیان دیده در وقوع فعل زیان‌بار نقش مؤثری دارد که بر آن اساس می‌تواند در رفع یا کاهش مسئولیت مدنی مامور تاثیرگذار باشد. شناخت نقش زیان دیده در چگونگی تعدیل این خسارات موجب دفاع ماموران برای معافیت یا تخفیف از مسئولیت مدنی شده و از این حیث، انجام این پژوهش واجد اهمیت است. بر این اساس، هدف پژوهش تعیین نقش زیان دیده در رفع یا کاهش مسئولیت مدنی مامور است.

روش: این تحقیق به روش توصیفی و با استفاده از مطالعات اسنادی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج تحقیق نشان می‌دهد در حقوق انگلیس مبنای بررسی تقصیر زیان دیده، قاعده تقصیر مشترک است که بر اساس آن مامور پلیس با لحاظ معیار مراقبت در رفتار خود، به اندازه‌ی قصور زیان دیده در وقوع فعل زیان‌بار، از مسئولیت مدنی او تخفیف داده می‌شود و در حقوق آمریکا هم بر اساس قواعد تقصیر مشترک و تقصیر مقایسه‌ای، مسئولیت مدنی ماموران به طور کامل رفع یا تخفیف داده می‌شود. در حقوق ایران بر اساس نقش زیان دیده اعم از مباشر، سبب یا در حالت اجتماع سبب و مباشر وضعیت متفاوت است و ملاک تعیین مسئولیت، استناد عرفی است و در حالت اجتماع سبب و مباشر، هر یک از طرفین که فعل زیان‌بار به او استناد دارد ضامن بوده و اگر میزان تاثیر اقدام یکسان باشد طرفین به صورت مساوی و در صورت تفاوت در رفتار، مامور و زیان‌دیده بر اساس میزان تاثیر مسئولیت دارند.

کلیدواژه‌ها:

زیان دید، پلیس، مسئولیت، تقصیر، مسئولیت مدنی

۱. دانشیار دانشکده حقوق خوارزمی

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول، rezabeyranvand2@yahoo.com)

مقدمه

نیروی انتظامی برابر ماده ۳ قانون ناجا وظیفه تامین نظم و امنیت را بر عهده دارند به علاوه یکی از وظایف نیروی انتظامی برابر ماده ۴ قانون مذکور و همچنین مواد ۲۸ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری انجام وظایف ضابطیت در مرحله کشف جرم است. برای انجام ماموریت‌های مذکور ماموران پلیس لازم است در حدود مقررات قانونی اقداماتی از قبیل دستگیری متهم، تعقیب و گریز، تیراندازی و ... انجام دهند و به لحاظ خطرپذیری این اقدامات و لزوم اتخاذ تصمیمات آنی و حساس ممکن است خساراتی را بر متهم یا دیگر شهروندان وارد کنند. ایجاد این خسارات به صور مختلفی از قبیل فعل (توأم با تقصیر، بدون تقصیر، با واسطه، بدون واسطه) یا ترک فعل است (عباسلو، ۱۳۹۰: ۱۱۴)، که برابر قوانین عام مسئولیت مدنی و خاص از قبیل به کارگیری سلاح و ... مسئولیت یا عدم مسئولیت ماموران پلیس و سازمان ناجا تحت شرایط مشخص پیش بینی شده است. ولی گاهی ممکن است عواملی از قبیل قوه قاهره، اوضاع اضطراری، دستورهای مقام قضایی و ... در سهم مسئولیت و خسارت ماموران پلیس تاثیرگذار باشد که یکی از این عوامل، تقصیر زیان دیده است. حال چنانچه زیان دیده (خواهان) در وقوع فعل زیانبار به صورت مشترک با خواننده (مامور) مرتکب تقصیر شود میزان مسئولیت و خسارت خواهان و خواننده بر چه اساسی تعیین می شود. لذا بررسی مبانی و حدود و ثغور قواعد تعیین کننده و نقش آنها در مسئولیت مدنی ماموران پلیس در حقوق ایران و حقوق تطبیقی (آمریکا و انگلیس) می تواند در شناخت قلمرو مسئولیت مدنی ماموران پلیس از حیث کاهش یا رفع مسئولیت ماموران مفید واقع شود که در این مسیر تلاش شده است با ذکر مصادیق کاربردی، قواعد حاکم بررسی و تحلیل شوند. لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که تقصیر زیان دیده در مسئولیت مدنی ماموران پلیس چه تاثیری دارد؟

پیشینه تحقیق

شعاریان و جباری (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «مسئولیت مدنی پلیس» به بررسی مبانی و منابع مسئولیت مدنی پلیس، ارکان مسئولیت مدنی پلیس، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی و ... پرداخته اند که در این کتاب قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ماموران و سازمان پلیس را تحلیل کرده‌اند.

عباسلو (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری»، حوادث زیانبار ضابطان دادگستری را در دو بخش انجام فعل توأم با تقصیر (تیراندازی، شکنجه، اجرای احکام مدنی و...) و ترک فعل (کوتاهی در حمایت از افراد، ترک وظیفه نگهداری از وسایل و تجهیزات، کنترل نکردن اشخاص بازداشت شده و...) را بررسی کرده است و مسئولیت مدنی ماموران را بر مبنای قواعد حقوقی و موازین قانونی تحلیل کرده است.

مبانی نظری

دربارۀ نقش تقصیر زیان دیده در وقوع فعل زیانبار و تاثیر آن در مسئولیت و خسارت وارده در نظامهای حقوقی مختلف، در دنیا دو قاعده کلی وجود دارد که عبارت‌اند از: تقصیر مقایسه ای و تقصیر مشترک. و با توجه به رویکرد کشورها، نحوه استناد بر این قواعد متفاوت است که بر این اساس به شرح آنها می پردازیم.

تقصیر مشترک^۱: در حقوق تطبیقی تقصیر مشترک تاریخچه طولانی دارد. از این قاعده برای اولین بار در دادگاههای آمریکا در دعوی اسمیت علیه اسمیت^۲ (۱۸۲۴) استفاده شده است و در ادامه از آن در دادگاههای ایالتی و فدرال استفاده شده است. تقصیر مشترک عبارت است از انجام عملی از سوی خواهان به عنوان علت اصلی در ایجاد ضرر بر خود (پروسر و کیتون^۳، ۱۹۸۶: ۲۵). بحث این است که خواهان در ایجاد بخشی از ضرر قصور

1. Contributory negligence

2. Smith v. Smith (1824)

3. Prosser & Keeton (1984)

کرده است (سیلور^۱، ۲۰۰۸: ۷۰). این قاعده ممکن است به عنوان یک دفاع کامل یا ناقص برای خواننده عمل کند و بر اساس آن مسئولیت خواننده تخفیف یابد (کوچ، ۲۰۰۸: ۵۰۹)، و چنانچه خواننده بتواند ثابت کند که اقدام خواهان موجب ایجاد ضرر بر خود شده است خواننده مسئول نخواهد بود و خواهان حق دریافت خسارت را نخواهد داشت. در واقع خواننده باید ثابت کند که اقدامات غیرمعقول^۲ خواهان بر اساس سبب اقوی (مهم‌تر)، در ایجاد ضرر علیه خود نقش داشته است که این موضوع ممکن است از طریق ادله خارجی یا شهادت یک شاهد قوی کشف شود (فرانکلین^۳، ۱۹۹۳: ۳۴).

در دعوی فراگ و شهر نیواورلئان (۱۹۹۳)^۴، فردی به اتهام مستی در ملامت در حالی که از دهانش کف می‌ریخت توسط ماموران پلیس دستگیر و بازداشت شد. دادگاه اعلام کرد که ماموران به واسطه قصور در فراهم کردن گروه مراقبت پزشکی، مرتکب تقصیر شدند ولی با توجه به اینکه فرد دستگیر شده میزان قابل توجهی الکل استفاده کرده است و این اقدام موجب تشدید وضعیت او شده است بنابراین وی در ایجاد ضرر علیه خود سهیم بوده است.

با این وجود در نظام حقوقی آمریکا بعضی از ایالتها از این قاعده با عنوان تقصیر مشترک مطلق^۵ استفاده می‌کنند (ویکرت و لهرر: ۲۰۱۵).^۶ تقصیر مشترک مطلق در واقع انجام رفتار تقصیر آمیز خواهان زیان دیده است که به صورت مشترک با تقصیر خواننده موجب ایجاد خسارت می‌شود. قاعده تقصیر مشترک مطلق در واقع دفاعی است که بر اساس آن، طرف زیان دیده نمی‌تواند هیچ‌گونه خسارتی را دریافت کند اگر حتی یک درصد قصور کرده باشد. دفاع بر اساس تقصیر مشترک مطلق از این جهت مورد انتقاد است که حتی با

1. Silver

2. unreasonable actions

3. Franklin

4. Fruge v. City of New Orleans (1993)

5. Pure Contributory Negligence.

6. Wickert & Lehrner (2015)

وجود میزان بسیار اندکی از تقصیر مشترک توسط خواهان که در ایجاد ضرر نقش داشته است، اگرچه ایجاد ضرر ممکن است بر اساس تقصیر اساسی خوانده، باشد ولی پرداخت خسارت منع می شود. تنها چهار ایالت و بخشی از منطقه کلمبیا قاعده تقصیر مشترک مطلق را پذیرفته اند: آلاباما^۱ (دعوی جان کولی و بروس و برون، ۱۹۹۰)^۲؛ دعوی شوتز و شرکت، ۱۹۶۸^۳، بخشی از کلمبیا^۴ (دعوی وینگفیلد و کارکنان داروخانه، ۱۹۹۴)^۵، مرینلد^۶ (دعوی شرکت بل آتلانتیک و شورای استان گرت، ۱۹۹۷)^۷، کارولینای شمالی^۸ (دعوی اسمیت و شرکت فایبر، ۱۹۸۰)^۹ و ویرجینیا^{۱۰} (دعوی باسکت و بانکز، ۱۹۴۷)^{۱۱}.

در حقوق انگلیس، اولین پرونده‌ای که از این مفهوم حقوقی استفاده شده است دعوی میان باترفیلد و فورستر^{۱۲} (۱۸۰۹) بوده است، در آن پرونده دادگاه اعلام کرد هنگامی که مراقبت نکردن معمولی خواهان در وقوع حادثه نقش داشته است خواهان نمی تواند خسارت را دریافت کند. (گیروود^{۱۳}، ۲۰۱۴: ۴۶).

در ادامه و تا قبل از سال ۱۹۴۵ برای تعدیل نظریه تقصیر مشترک، نظریه ای در حقوق انگلیس با عنوان نظریه آخرین فرصت^{۱۴} مطرح شد. مطابق این نظریه دادگاهها این فرصت را برای خواهان فراهم کردند که در صورت دریافت نکردن خسارت، آن را دریافت کنند. بر این اساس شخصی که آخرین فرصت برای اجتناب از حادثه را داشته است، مسئول کلیه

1. Alabama

2. John Cowley & Bross(1990)

3. Power co. V.Schotz(1968)

4. District of Coloumbia

5. Wingfield V. People,s Drug store(1994)

6. Maryland

7. Board of county comm,r of garrett county v.Bell Atlantic(1997)

8. North carolina

9. Smith v. Fiber controls corp(1980)

10. Virginia

11. Baskett v. Banks(1947)

12. Butterfield v. Forrester(1809)

13. Girod

14. The last opportunity rule

خسارت خواهد بود (هارپوود^۱، ۲۰۰۹: ۴۶۸). بر این مبنا دادگاه اعلام کرد هنگامی که تقصیر خواهان، او را در وضعیت خطرناکی قرار داده است و با وجود اینکه خواننده او را در وضعیت خطرناک دیده است اما برای جلوگیری از متضرر شدن خواهان قصور کرده است، بر این مبنا تقصیر خواهان موجب مانع او از دریافت خسارت نخواهد شد. (دعوی دیویس و مان، ۱۸۴۲)^۲. نکته ای که طبق این نظریه مشکل می نماید این است که تعیین دقیق کسی که آخرین فرصت برای جلوگیری از وقوع ضرر را داشته است در عمل مشکل به نظر می رسد.

در ادامه در سال ۱۹۴۵ قانونی با عنوان قانون اصلاحی تقصیر مشترک^۳ به تصویب رسید. برابر بند (۱) ماده (۱) این قانون «زمانی که شخصی بخشی از ضرر را به واسطه قصور خود و بخشی را به واسطه قصور شخص یا اشخاص دیگری متحمل می شود، به علت قصور شخصی در ایجاد ضرر نباید از اقامه دعوی دریافت خسارت منع شود بلکه بر اساس آنچه که دادگاه به صورت عادلانه و منصفانه^۴ از حیث سهم خواهان در مسئولیت برای ضرر بررسی می نماید، خسارات قابل دریافت بر حسب چنین نسبتی تقلیل می یابند». بر اساس این قانون، دادگاه تلاش خواهد کرد درصدی از خسارت را که خواهان مسئول آن بوده است، تعیین کند و بر اساس آن حکم را تقلیل خواهد داد، لذا برای دفاع بر این مبنا، موضوع تقصیر مشترک باید در دادخواست ذکر شود (دعوی فوکس و اسلاتور^۵، ۱۹۷۸).

معیار مراقبت در تقصیر مشترک^۶: برابر این ضابطه، آنچه که ضروری است که آیا بر اساس مجموع شرایط، خواهان در خصوص امنیت خود مراقبت کافی داشته است؟ در این وضعیت دادگاهها بیشتر به معیار ذهنی^۷ تا معیار مورد استفاده مسئولیت مدنی ناشی از

1. Harpwood

2. Davies v. Mann (1842)

3. Law Reform (Contributory Negligence) Act

4. Just and equitable

5. Fookes v Slaytor (1978)

6. The standard of care in contributory negligence

7. Subjective approach

تقصیر، استناد می کنند. خواننده باید ثابت کند اولاً خواهان مراقبت عادی برای خودش انجام نداده است، ثانیاً این موضوع دلیل ایجاد خسارت بوده است. برای مثال در پرونده ایرس و آتکینسونز^۱ (۲۰۰۷)، درباره راننده ای که به صورت خواب آلود در حال رانندگی بوده است به علت اینکه او به واسطه حضور مدیری که همراه او بوده است مجبور به رانندگی طولانی مدت شده، دادگاه استیناف راجع به تصادف ایجاد شده در جایی که او آسیب دیده است حکم به ۳۳ درصد تقصیر مشترک داد. در پرونده الیس و ویلیام^۲ (۲۰۰۷)، دادگاه استیناف اعلام کرد روشهای کاری خطرناک مورد استفاده کارگران کارخانه ها، موجب تقلیل پنجاه درصد از خسارات به استناد قاعده تقصیر مشترک می شود. در دفاع بر اساس تقصیر مشترک اگر خواننده بتواند ثابت کند که خواهان هم در ایجاد ضرر تقصیر داشته است، مطابق این اصل که هر کسی مراقب انجام وظایف روزانه اش به طور طبیعی است، او نمی تواند برای ضررهای ایجاد شده مسئول شناخته شود. چنانچه رفتار غیرمعقول خواهان احتمال ایجاد ضرر را افزایش داده است، پلیس نباید مسئول شناخته شود؛ به عنوان مثال هنگامی که مامور پلیس، متهم فراری را تعقیب می کند حتی اگر مامور در انجام رانندگی خودرو، مرتکب تقصیر شود، دیگر رانندگان مکلف به رانندگی خودروهایشان به صورت معقول هستند (گیرود، ۲۰۱۴: ۴۶).

چنانچه مامور تعقیب کننده با راننده دیگری که خودروی خود را به کنار جاده نکشاند است، تصادف کند دادگاه امکان دارد رای بدهد که رفتار خواهان موجب ایجاد خسارت شده است و پرداخت خسارت به موجب تقصیر مشترک ممنوع خواهد بود «اگر خواهان در انجام مراقبت معقول و معمولی از خود قصور کند، خواهان مشمول قاعده تقصیر مشترک است» (کاپلر^۳، ۲۰۰۶: ۳۵). بار اثبات تقصیر مشترک بر عهده خواننده است و او

1. Eyres v. Atkinsons Kitchens & Bedrooms Ltd(2007)

2. Ellis v. William Cook Leeds Ltd (2007)

3 . Kappeler

باید ثابت کند که خواهان با انجام فعل یا ترک فعل عالمانه، خطر مربوط به عمل را افزایش داده است (دعوی واترمن و باتون^۱، ۲۰۰۳).

هنگامی که ماموران پلیس در مواجهه با شبهه جرمهای عمدی از قبیل مرگهای غیرقانونی قرار می‌گیرند، چنانچه خواننده بتواند ثابت کند که خواهان در ایجاد ضرر سهیم بوده است، نظریه تقصیر مشترک ممکن است قابل استناد باشد. کاپلر معتقد است «اگرچه ارتکاب عمل مجرمانه به خودی خود مانع مسئولیت بر مبنای قاعده تقصیر مشترک نمی‌شود، بعضی از دادگاهها رای داده‌اند که سرقت وسیله نقلیه همراه با دست کشیدن مامور از پشت به جلوی صندلی هنگامی که مامور سعی در دستگیری او داشته است، مانع درخواست خسارت به واسطه مرگ غیرقانونی می‌شود» (دعوی سراس و آلدريج^۲، ۲۰۰۳). با این همه، بعضی از دادگاهها رای داده‌اند هنگامی که اقدامات خواننده عالمانه و عمدی باشد تقصیر خواهان زیان دیده مانع دریافت خسارت نمی‌شود. بعضی از دادگاهها نیز مفاهیم تقصیر مشترک و پذیرش خطر را در خودکشی‌های در زمان بازداشت اعمال نکرده‌اند (دعوی سائوندرز و شهرستان استوبین نیویورک، ۱۹۹۸)^۳. به نظر می‌رسد که تکلیف به انجام مراقبت مهم‌تر از تقصیر مشترک در سهم فرد بازداشت شده، است. (دعوی میگا و شهر هولیوک، ۱۹۸۶^۴ و ماردوک و شهر کین، ۱۹۹۳^۵ و توماس و شهر پارما، ۱۹۹۳^۶).

تقصیر مشترک می‌تواند مربوط به تخلفات قانونی باشد؛ برای نمونه قوانین الزامی چگونگی رانندگی شهروندان در استفاده از بزرگراهها می‌تواند بر اساس قاعده تقصیر مشترک مورد بررسی شود تخلفات از این قوانین می‌تواند با استفاده از تقصیر مشترک تعیین شود و برای پلیس دفاع مثبتی را فراهم کند. برای مثال رانندگان وسایل نقلیه در

-
1. Waterman v. Batton(2003)
 2. Thrash v. Aldridge(2003)
 3. Saunders v. County of Steuben(1998)
 4. Miga v. City of Holyoke(1986)
 5. Murdock v. City of Keene(1993)
 6. Thomas v. City of Parma(1993)

مواجه با وضعیتی که خودروی پلیس در وضعیت اضطراری در حال رانندگی است موظف به رعایت حق تقدم برای پلیس هستند (هنگام راهنما زدن و آژیر کشیدن توسط پلیس)؛ بنابراین تخلف خواهان از این وظیفه می تواند تقصیر مشترک را ثابت کند و خسارات را تقلیل دهد حتی اگر اقدامات مامور پلیس از روی تقصیر باشد (کاپلر، ۲۰۰۶: ۱۵۷).

دیگر رفتارهای خواهان حتی اگر تخلف قانونی نباشد می تواند تقصیر مشترک را تشکیل دهد. در دعوی مابل و اوماها (۱۹۸۶)^۱ دادگاه رای داد که قصور راننده در شنیدن آژیر پلیس می تواند بر اساس تقصیر مشترک محسوب شود. در دعوی اسمیت و برادفورد (۱۹۸۵)^۲، مامور پلیس با سرعت بیش از ۹۰ مایل بر ساعت در حال تعقیب خودرویی در بزرگراه با پسر بچه سیزده ساله ای که در امتداد جاده بزرگراه در حال دوچرخه سواری بوده است تصادف کرد و پسر بچه پس از چهار روز فوت نمود. دادگاه رای داد اگرچه رفتار مامور ممکن است توجیه منطقی نداشته باشد ولی با توجه به اینکه بچه دارای قوه تشخیص، هوشیاری و آگاه از وضعیت خطرناک بوده است (همانند هر بچه سیزده ساله متعارفی) باید بر اساس قاعده تقصیر مشترک با وی رفتار شود (کاپلر، ۲۰۰۶: ۱۵۷-۱۵۸). بر این اساس، تقصیر مشترک به عنوان دفاع جزیی در دعوی تقصیر عمل می کند و به عنوان دفاع کامل محسوب نمی شود. اگر دادگاه به این نتیجه برسد که خواهان به علت قصور به مراقبت مناسب، در ایجاد ضرر به خودش سهم بوده است امکان تقلیل خسارات وجود دارد و معیار عمومی مورد استفاده توسط دادگاهها، معیار ذهنی است که آیا رفتار خواهان در آن وضعیت معقول بوده است؟

سببیت در تقصیر مشترک^۳: موضوعی که قبل از تقلیل خسارت به واسطه تقصیر مشترک ضروری است بررسی شود این است که آیا خواهان در ایجاد خسارت سهم بوده است؟ بخشی از ابهام قابل ملاحظه می تواند ناشی از سببیت باشد که ممکن است در مرحله

1. Maple v. City of Omaha (1986)

2. Smith v. Bradford (1985)

3. Causation in contributory negligence

تعیین میزان خسارت قابل استفاده باشد. در پرونده کور و آی بی سی (۲۰۰۸)^۱ زمانی که تقصیر مشترک عامل اساسی بوده است مشکلاتی به وجود آمده که مربوط به سببیت بوده است. همسر خواهان در نتیجه آسیبهای روانی ناشی از حوادث کاری مرتکب خودکشی شده است. موضوعی که در مجلس اعیان مطرح شده این است که آیا خسارات ادعا شده علیه کارفرما مبتنی بر قانون سال ۱۹۷۶، قابل انتساب به خودکشی بوده است بعید بوده اند؟ مجلس اعیان همچنین بررسی کرد که آیا کاهش خسارات پرداختی به زن بیوه صحیح است؟ خواندگان استدلال کردند از آنجایی که ارتکاب خودکشی عمل غیرمعقول و آزادانه‌ای بوده است، رابطه سببیت را قطع کرده است و مربوط به تقصیر مشترک است. مشکلات مربوط به سببیت می تواند همچنین در جایی بیشتر باشد که بیش از یک خواننده وجود دارد. در پرونده فیتزگرالد و لان و پاتل (۱۹۸۹)^۲، خواهان به واسطه بی احتیاطی در جاده متوقف شد و خواننده بر اساس تقصیر در رانندگی با او تصادف کرد در نتیجه این تصادف، خواهان در جاده افتاد و به وسیله خودروی خواننده دوم مصدوم شد. قاضی درباره تصادف اول، رای داد که خواهان باید $\frac{2}{3}$ از مجموع کلیه خسارات را دریافت کند زیرا هر سه طرف به طور مساوی در ایجاد خسارت نقش داشته اند، با این حال، مجلس اعیان تعیین کرد که دادگاه در تعیین مسئولیت باید ارزیابی کند. آیا خواهان در ایجاد ضرری که او متحمل شده است سهیم بوده است و اگر این گونه باشد، چه سهمی از خسارت می تواند می تواند به بی احتیاطی خواهان قابل انتساب باشد. تقسیم مسئولیت میان خواهان و خواننده باید جدای از تقسیم مسئولیت برای خود حادثه بر اساس میان چند خواننده بررسی شود. خواهان نباید وضعیت بهتری (سودمندتری) داشته باشد چون او به وسیله دو نفر مصدوم شده است و در هر صورت خواهان تنها ۵۰ درصد از خسارات ممکن را دریافت می کند.

1. Corr v IBC Vehicles Ltd (2008)

2. Fitzgerald and Lane v Patel (1989)

در پرونده های مربوط به بستن کمربند ایمنی، سببیت تاثیر قابل ملاحظه ای در رابطه با خسارات تحمل شده به وسیله خواهان دارد. در این پرونده ها قصور خواهان به بستن کمربند معمولاً دلیل خود حادثه نیست بلکه ممکن است در صدمات حاصله سهیم باشد. در پرونده فروم و باتچر (۱۹۷۶)^۱، خواهان با سرعت کم و در مسیر مناسبی از جاده و با دقت در حال رانندگی بود، خواننده که با سرعت بسیار زیادی در مسیر غیرقانونی جاده رانندگی کرده است به واسطه تقصیر موجب تصادف شدیدی با خودروی خواهان شد. در آن زمان خواهان کمربند ایمنی خود را نبسته بود و صدمات شدیدی متحمل شد در صورتی که اگر کمربند را بسته بود چنین صدمات شدیدی را متحمل نمی شد. قاضی دنینگ بین سبب حادثه، رانندگی خوانندگان مقصر، سبب ضرر و عدم مراقبت خواهان از خود به واسطه بستن کمربند ایمنی، مرزبندی مشخصی را ایجاد کرد. او سه وضعیت را که سببیت مربوط به حکم خسارت است، توضیح داد: (۱) چنانچه بستن کمربند ایمنی تاثیری در ضررهای حاصله نداشته است کاهش خسارت بر اساس تقصیر مشترک وجود ندارد. (۲) چنانچه بستن کمربند ضررهای حاصله را کاهش داده است، پانزده درصد از کاهش خسارت وجود خواهد داشت. (۳) چنانچه بستن کمربند ایمنی، در مجموع ضررها جلوگیری خواهد کرد، بیست و پنج درصد از خسارات کاهش پیدا خواهد کرد.

با این حال، دادگاه استیناف برای کسانی از قبیل افراد خیلی چاق و زنان حامله که نمی توانند به واسطه قصور در بستن کمربند ایمنی مقصر شناخته شوند، مجاز خواهد بود بعضی از استثنائات را بپذیرد (هارپوود، ۲۰۰۹: ۴۷۱).

تقصیر مقایسه ای^۲: تقصیر مقایسه ای میزان تقصیر خواهان و خواننده را مقایسه می کند (گینس و کاپلر^۳، ۲۰۱۵: ۳۹۶) برابر این قاعده طرفین ممکن است در ایجاد ضرر سهیم باشند و لذا حتی اگر خواهان بخشی از مسئولیت ایجاد ضررهای خودش را بر عهده داشته

1. Froom v. Butcher (1976)
2. Comparative Negligence
3. gains, and Kappeler

باشد او باز هم می‌تواند خسارت دریافت کند. در این قاعده، مسئولیت خواننده از بین نمی‌رود بلکه به نسبت، میزان حکم جبران خسارت را تخفیف می‌دهد. برای مثال، مامور پلیس ممکن است در ۲۵ درصد از ضرر وارده به خواهان تقصیر داشته باشد در حالی که خواهان ۷۵ درصد تقصیر داشته است. چنانچه هیئت منصفه حکم به جبران خسارت به میزان هزار دلار بدهد، خواهان حق دریافت خسارت به میزان ۲۵۰ دلار را دارد. برابر نظریه تقصیر مقایسه‌ای، دادگاه مجاز است درجه تقصیر طرفین را در هر حادثه خاص تعیین کند (روس،^۱ ۲۰۱۵: ۵۹).

در حقوق آمریکا اکثر ایالتها نظریه تقصیر مقایسه‌ای را پذیرفته‌اند (سیلور، ۲۰۰۸: ۷۲). دادگاه در دعوی مکینتیر و بالتین (۱۹۹۲)^۲ با رد قاعده تقصیر مشترک اعلام کرد: «ما به این نتیجه رسیده‌ایم که زمان کنار گذاشتن نظریه قدیمی و ناعادلانه تقصیر مشترک کامن لا^۳ و جایگزینی آن با قاعده تقصیر مقایسه‌ای فرا رسیده است». تقصیر مقایسه‌ای قاعده‌ای است که دادگاه بر اساس آن به منظور ارزیابی مناسب میزان خسارت، نسبت تقصیر طرفین را مقایسه می‌کند و میزان خسارات را بر اساس درجه تقصیر خواهان تقلیل می‌دهد. در پرونده مذکور دادگاه اعلام کرد: «بنابراین ما معتقدیم تا زمانی که تقصیر خواهان کمتر از تقصیر خواننده باشد خواهان خسارت را دریافت می‌کند؛ در چنین وضعیتی خسارات خواهان بر اساس میزان تقصیر قابل انتساب به او تقلیل پیدا می‌کند» (گیرود، ۲۰۱۴: ۴۷).

بر این اساس هیئت منصفه باید سهم ضررهای حاصله به وسیله خواهان را که قابل انتساب به تقصیر اوست و سهمی از ضررها را که به رفتار تقصیرآمیز طرف مقابل دعوی منتسب است، مشخص کند (مینزر، ناتس، کیمبال، آکسلرود و گلدستین^۴، ۲۰۰۲: ۴۵). تقصیر مقایسه‌ای دفاع کامل از مسئولیت نیست بلکه دادگاه با ارزیابی سهم تقصیر، میزان خسارات

1. Ross

2. Mcintyre v. Balentine (1992)

3. outmoded and unjust common law doctrine of contributory negligence

4. Minzer, Nates, Kimball Axelrod & Goldstein

را تقلیل می دهد. دادگاهها تلاش می کنند درجه تقصیر طرفین (شخص زیان دیده و خواننده) را مشخص کنند(دعوی شهر الیسویل و ریچاردسون^۱، 2005؛ گینس و کاپلر^۲، 2015: 421).

در پرونده دل تافو و شهر اولدبریج^۳(۱۹۹۶) فردی به علت مصرف بالای کوکائین در هنگام توقیف نزد پلیس، فوت کرده بود. بازماندگان به استناد تقصیر مامور، دعوی مرگ غیرقانونی را اقامه کردند. در این دعوی، فرد دستگیر شده پیش از دستگیری به ماموران اطلاع نداده است که کوکائین را بلعیده است؛ در حالی که او امکان گفتن چنین موضوعی را داشته است. هنگامی که علائمی از تشنج در او به وجود آمده بود مراقبت پزشکی برای او فراهم شد. آن شخص یک ساعت بعد در بیمارستان به علت ناراحتی قلبی ناشی از کوکائین فوت کرد. دادگاه عالی نیوجرسی اعلام کرد که تقصیر مقایسه ای، دفاعی برای دعوی به واسطه قصور در درخواست به مراقبت پزشکی برای فرد دستگیر شده بوده است. دادگاه این استدلال را نپذیرفت که معتادان مواد مخدر در ردیف افراد مسن و بیماران روانی قرار دارند؛ بلکه آنان مسئولیت دارند که به پلیس اعلام کنند که مواد مخدر مصرف کرده اند. ایجاد ضرر بر خود^۴ با مسئولیت مراقبت از خود^۵ برابر است. اگرچه ظاهراً نامعقول است که دادگاه در پرونده مک‌روی و اداره پلیس نیواورلئان^۶(۱۹۹۰) اعلام کرد هنگامی که فردی در مقابل دستگیری مقاومت کند حتی اگر مامور مجری دستگیری در هنگام دستبند زدن از نیروی بیش از حد استفاده کرده و موجب شکستگی در کمر فرد شود، با استناد به قاعده تقصیر مقایسه ای، رای دادگاه به کاهش خسارت به میزان ۵۰ درصد است. با این همه، ایالت‌های مختلف کشور آمریکا قاعده تقصیر مقایسه‌ای را به سه

1. City of Ellisville v. Richardson(2005)

2. Gaines & Kappeler

3. Del Tufo v. Township of Old Bridge(1996)

4. Self-inflicted harm

5. self-care responsibility

6. McRoy v. New Orleans Police Department (1990)

دسته قصور مقایسه ای مطلق، قصور مقایسه ای تعدیل شده و قصور مقایسه ای بر اساس تقصیر فاحش/اندک تقسیم کرده‌اند و دادگاهها بر اساس آن رای می دهند. برابر وضعیت بررسی شده در حقوق آمریکا (ویکرت و لهر، 2015) چگونگی استفاده ایالتها از قواعد مذکور به شرح زیر است:

۱- **تقصیر مقایسه‌ای مطلق**^۱: همان گونه که گفته شد، مفهوم تقصیر مقایسه‌ای مطلق ناظر است به نظامی که خسارات را میان طرفین مقصر بر اساس سهم آنان در تقصیر تعیین می کند، بر اساس نظام قصور مقایسه ای، تقصیر خواهان مانع دریافت خسارت نخواهد شد بلکه میزان خسارت پرداختی به خواهان بر اساس سهم تقصیر خواهان کاهش پیدا خواهد کرد. بر اساس قاعده تقصیر مقایسه ای مطلق طرف زیان دیده خسارت دریافت خواهد کرد حتی اگر ۹۹ درصد تقصیر داشته باشد؛ اگرچه دریافت خسارت بر اساس درجه تقصیر زیان دیده کاهش پیدا خواهد کرد. این قاعده از این جهت مورد انتقاد است که خواهانی که تقصیر اساسی داشته است از خواننده ای که دارای تقصیر کمتری است بر اساس سهم خواننده در ایجاد ضرر، خسارت دریافت می کند. دوازده ایالت قاعده تقصیر مقایسه ای مطلق را پذیرفته‌اند: آلاسکا^۲، آریزونا^۳، کالیفرنیا^۴ (دعوی لی و شرکت تاکسیرانی، ۱۹۷۵)^۵ و دعوی دیاز و کارسامو، ۲۰۱۱^۶، فلوریدا^۷، کنتاکی^۸، لوئیزیانا^۹، می‌سی‌سی‌پی^{۱۰}،

-
1. Pure Comparative Fault
 2. Alaska
 3. Arizona
 4. California
 5. Li v. yellow cab(1975)
 6. Diaz v. Carcamo(2011)
 7. Florida
 8. Kentucky
 9. Louisiana
 10. Mississippi

میسوری^۱ (دعوی گاستافسون و بند، ۱۹۸۳)^۲، نیومکزیکو^۳ (دعوی اسکات و ریزو، ۱۹۸۱)^۴، نیویورک^۵، رود آیسلند^۶ و واشینگتن^۷.

۲- **تقصیر مقایسه ای تعدیل شده**^۸: بر اساس نظام قصور مقایسه ای تعدیل شده، هر یک از طرفین بر اساس نسبت تقصیر آنان در ایجاد ضرر مسئولیت دارند (شوارتز و رو، ۲۰۱۰: ۳۲-۳۳)^۹، مگر اینکه تقصیر خواهان به حد مشخصی برسد (مثلاً ۵۰ یا ۵۱ درصد). چنانچه تقصیر خواهان به این حد برسد او هیچ خسارتی را دریافت نخواهد کرد. یازده ایالت این قاعده را پذیرفته اند که بر اساس آن اگر طرف زیان دیده ۵۰ درصد یا بیشتر از آن تقصیر داشته باشد نمی تواند خسارت را دریافت کند ولی اگر ۴۹ درصد یا کمتر از آن مقصر باشد می تواند خسارت را دریافت کند؛ اگرچه بر اساس درجه تقصیر، میزان خسارت او کاهش می یابد. این ایالتها بر اساس قاعده قصور مقایسه ای تعدیل شده (۵۰ درصد)^{۱۰} حکم داده اند: آرکانزاس^{۱۱}، کلرادو^{۱۲} (دعوی کاسمان و دنور، ۱۹۸۵)^{۱۳}؛ و دعوی گروس، ۲۰۰۱^{۱۴}، جورجیا^{۱۵}، ایداهو^{۱۶}، کانزاس^{۱۷}، ماین^{۱۸}، نبراسکا^{۱۹}، داکوتای شمالی^{۲۰}، تنسی^{۲۱} (دعوی مک لنتیر و بالتین، ۱۹۹۲)^{۲۲} یوتا^{۲۳} و ویرجینیای غربی^{۲۴}.

1. Missouri
2. Gustafson v. Benda (1983)
3. New Mexico
4. Scott v. Rizzo (1981)
5. New York
6. Rhode Island
7. Washington
8. Modified Comparative Fault
9. Schwartz and Rowe (2010)
10. 50% Bar rule
11. Arkansas
12. Colorado
13. Kussman v. Denver (1985)
14. B.G.S, Inc v. Gross (2001)
15. Georgia
16. Idaho
17. Kansas
18. Maine

بیست و دو ایالت از قاعده ۵۱ درصد^۷ تقصیر پیروی کرده اند که بر اساس آن اگر طرف زیان دیده ۵۱ درصد تقصیر یا بیشتر داشته باشد نمی تواند خسارت را دریافت کند؛ اما اگر ۵۰ درصد یا کمتر تقصیر داشته باشد می تواند خسارت را دریافت کند که بر اساس درجه تقصیر او پرداخت می شود. این ایالتها عبارت‌اند از: کانکتیکات^۸، دلاویر^۹ (دعوی بریتینگهام و لایفیلد، ۲۰۰۸^{۱۰})، هاوایی^{۱۱}، ایلینویز^{۱۲}، ایندیانا^{۱۳}، آیووا^{۱۴}، ماساچوست^{۱۵}، میشیگان^{۱۶}، مینسوتا^{۱۷}، مونتانا^{۱۸}، نوادا^{۱۹}، نیو همپشایر^{۲۰}، نیوجرسی^{۲۱}، اوهایو^{۲۲}، اوکلاهما^{۲۳}، اورگون^{۲۴}، پنسیلوانیا^{۲۵}، کارولینای جنوبی^{۲۶} (دعوی روس و پادی (۲۰۰۰)^{۲۷})، تگزاس^۱، ورمونت^۲، ویسکانسین^۳ و وایومینگ^۴.

-
1. Nebraska
 2. North Dakota
 3. Tennessee
 4. McIntyre v. Balentine (1992)
 5. Utah
 6. West Virginia
 7. ۵۱% Bar rule
 8. Connecticut
 9. Delaware
 10. Brittingham v. Layfield (2008)
 11. Hawaii
 12. Illinois
 13. Indiana
 14. Iowa
 15. Massachusetts
 16. Michigan
 17. Minnesota
 18. Montana
 19. Nevada
 20. New Hampshire
 21. New Jersey
 22. Ohio
 23. Oklahoma
 24. Oregon
 25. Pennsylvania
 26. South Carolina
 27. Ross v. Paddy

۳- **قصور مقایسه ای بر اساس تقصیر فاحش/جزیی^۵:** کمترین استفاده از نظام قصور مقایسه ای مربوط به نظام تقصیر فاحش/جزیی است. بر اساس این نظام، قصور خواهان و خوانده صرفاً زمانی مقایسه می شوند که تقصیر خواهان، جزیی و تقصیر خوانده، فاحش باشد. در غیر این صورت خواهان از دریافت خسارت منع می شود. نظام قصور مقایسه ای فاحش/جزیی بین دو قاعده سنتی تقصیر مشترک و بیشتر گزینه های قصور مقایسه ای مطالعه می شود. این نظام به واسطه مشکلاتی اساسی که در خصوص تعریف دقیق معیار توصیف تقصیر فاحش و جزیی وجود دارد، مورد انتقاد قرار گرفته است. قاعده قصور مقایسه ای بر اساس تقصیر فاحش/جزیی در واقع تعدیل شده نظام قصور مقایسه ای مطلق است و معمولاً تنها در ایالت داکوتای جنوبی^۶ مورد استفاده قرار می گیرد.

روش تحقیق:

این پژوهش به روش توصیفی و با استفاده از مطالعات اسنادی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری و با بررسی قوانین، رویه های قضایی و دیدگاههای حقوقی موضوع تحقیق مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها:

رویکرد حقوق ایران: سیر قانونگذاری در ایران نشان دهنده آن است که قانونگذار هم به صورت عام و هم در موارد خاص از قبیل تصادفات به بررسی نقش تقصیر زیان دیده در وقوع فعل زیانبار و تعیین مسئولین آن پرداخته است. قانونگذار در ماده ۱۶۵ قانون دریایی ۱۳۴۳ درباره حکم خاص تصادم دو کشتی، مسئولیت را بر مبنای اهمیت تقصیر و در صورت عدم تشخیص تقصیر اهم یا وجود تساوی در تقصیر طرفین، قاعده تساوی مسئولیت

1. Texas
2. Vermont
3. Wisconsin
4. Wyoming
5. Slight/Gross Negligence Comparative Fault
6. South Dakota

را پذیرفته است. همچنین در بند ۲ ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی «نحوه مداخله» هر یک از مسئولان، معیار تقسیم مسئولیت قرار داده شده است، پس بنا بر قاعده یادشده، دادگاه تمام عواملی را که در ایجاد ضرر دخالت داشته است (مانند درجه تقصیر، سرعت و سنگینی وسیله نقلیه) ارزیابی می‌کند و با ملاحظه تمام آنها «نحوه مداخله» را تشخیص می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۹۹).

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ به موجب مواد ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۶۳ و ۳۶۵، بر اساس نقش طرفین در وقوع زیان اعم از مباشرت، تسبیب یا اجتماع سبب و مباشر، چگونگی تعیین مسئولیت پیش بینی شده است. بر اساس این مواد، در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۲۱). و در صورت اجتماع سبب، قاعده تساوی مسئولیت جاری خواهد شد. در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، قانونگذار در مواد ۴۹۲، ۴۹۴، ۵۰۶ ضمن تاکید بر موضوعات مباشرت، تسبیب و اجتماع سبب و مباشر (همانند قانون قبلی)، ملاک مسئولیت را استناد وقوع فعل زیانبار به مباشر یا تسبیب یا هر دو قرار داده است؛ بنابراین در این قانون ملاک استناد عرفی است (باریکلو، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

بر این مبنا قانونگذار در اقدامی متفاوت، در ماده ۵۲۶ قاعده عامی را برای تعیین مسئولیت در مواردی که چند عامل در وقوع زیان نقش دارند پیش بینی کرده است که از نوآوریهای قانون جدید است. مطابق این ماده «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایت، تاثیری داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند؛ مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند...». همان گونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار در این ماده هم معیار تساوی و هم معیار تعیین مسئولیت بر مبنای درجه تقصیر را پذیرفته است که از این بابت با قواعد تقصیر مشترک و تقصیر مقایسه‌ای حقوق تطبیقی یکسان است. به علاوه قانونگذار در موارد خاصی از قبیل

رانندگی نیز مقرراتی را پیش بینی کرده است. بر این اساس چنانچه وقوع فعل زیانبار در تصادفات رانندگی صرفاً به تقصیر یکی از طرفین مستند شود برابر قسمت اخیر ماده ۵۲۸ او مسئول است و در صورت انتساب حادثه به طرفین مقصر، مطابق صدر ماده مذکور، هر دو ضامن هستند. بنابراین در حقوق ایران تقصیر مشترک زیان دیده در حادثه زیانبار تحت دو عنوان سبب یا مباشر اشتراکی قابل تصور است و تقسیم یا تحمیل مسئولیت به یکی از آنها حسب مورد بر اساس میزان تأثیری که در حادثه دارند تعیین می شود؛ به عنوان مثال اگر زیان دیده علی‌رغم اخطارهای پلیس از صحنه عملیات پلیس خارج نشود، و در همین حین به علت تیراندازی پلیس و اصابت به نامبرده فوت کند، اگر پلیسی که اقدام به تیراندازی کرده، می‌توانست با رعایت دقت بیشتر از وقوع حادثه زیانبار اجتناب کند، در این صورت مسئول خواهد بود؛ ولی اگر حادثه به گونه‌ای باشد که زیان دیده وقوع حادثه زیانبار را برای پلیس اجتناب‌ناپذیر کند، در این صورت پلیس مسئولیت نخواهد داشت (عباسلو، ۱۳۸۹: ۱۲۱). بنابراین در حقوق ایران می‌توان گفت در چنین مواردی، هم تساوی مسئولیت و هم تعیین مسئولیت بر اساس درجه تقصیر پذیرفته شده است.

نتیجه‌گیری

در نظامهای حقوقی مختلف نقش تقصیر زیان دیده در میزان مسئولیت ناشی از وقوع فعل زیانبار به طور کلی بر اساس دو قاعده تقصیر مشترک، تقصیر مقایسه‌ای و پذیرش خطر ارزیابی می‌شود. در تقصیر مشترک صرفاً به تقصیر زیان دیده توجه می‌شود و به تقصیر خواننده توجهی نمی‌شود. بر اساس تقصیر مشترک، خواننده به طور کلی از مسئولیت مدنی معاف می‌شود برعکس بر اساس قاعده تقصیر مقایسه‌ای، نقش تقصیر زیان دیده و خواهان بررسی می‌شود لذا خواننده به طور کامل از مسئولیت مدنی معاف نمی‌شود. با این حال، این تحلیل در حقوق تطبیقی (آمریکا و انگلیس) به صورت مطلق نیست و دارای تفاوت‌های خاص خود است. در حقوق انگلیس بر مبنای قانون تقصیر اشتراکی سال ۱۹۴۵، متناسب با میزان تقصیر خواهان در انجام فعل زیانبار از خسارت پرداختی به او کاسته خواهد شد؛ و

در مسئولیت مامور پلیس تقلیل داده خواهد شد در حالی که در حقوق آمریکا، اگرچه بعضی از ایالتها بر مبنای قاعده تقصیر مشترک عمل می‌کنند ولی بیشتر ایالتها بر مبنای قاعده تقصیر مقایسه‌ای تصمیم‌گیری می‌کنند. در حوزه‌های قضایی که بر اساس قاعده تقصیر مشترک عمل می‌کنند اگر هیئت منصفه به این نتیجه برسد که خواهان حداقل تقصیر و مامور پلیس حداکثر تقصیر را داشته باشد، خواهان هیچ‌گونه خسارتی را دریافت نمی‌کند؛ زیرا مبنای تعیین مسئولیت و خسارت، تقصیر زیان‌دیده است نه تقصیر مامور. در این حالت مسئولیت مدنی بر عهده مامور پلیس نیست.

بر عکس در در حوزه‌های قضایی که بر اساس قاعده تقصیر مقایسه‌ای عمل می‌کنند، اگر هیئت منصفه به این نتیجه برسد که خواهان حداقل تقصیر و مامور پلیس حداکثر تقصیر را داشته است خواهان می‌تواند خسارت دریافت کند اما بر اساس سهم تقصیر او در خسارت تقلیل داده می‌شود؛ بنابراین به میزان سهم تقصیر مامور پلیس، خواهان خسارت دریافت خواهد کرد و در این حالت در مسئولیت مدنی مامور پلیس تخفیف داده خواهد شد. با این حال نظام تقصیر مقایسه‌ای میان ایالتها متفاوت است. بدین صورت که چنانچه خواهان، ۵۰ درصد تقصیر و مامور پلیس ۵۰ درصد تقصیر داشته باشد بعضی از ایالتها، خواهان را مستحق دریافت ۵۰ درصد ضررهای او می‌دانند در حالی که بعضی از ایالتها، خواهان را از دریافت خسارت منع می‌کنند؛ زیرا او با مامور پلیس به میزان مساوی تقصیر داشته است. با وجود این، بعضی از ایالتها از قاعده ۵۱ درصد تقصیر استفاده کرده‌اند؛ بدین صورت که اگر تقصیر خواهان بیش از تقصیر مامور پلیس باشد هیچ خسارتی را دریافت نخواهد کرد.

در حقوق ایران به طور کلی در خصوص نقش تقصیر زیان‌دیده در معافیت یا تخفیف مسئولیت مدنی مامور، ملاک استناد عرفی است. با توجه به نوع نقش زیان‌دیده در وقوع فعل زیانبار اعم از مباشر یا سبب یا در حالت اجتماع سبب و مباشر، زیان‌دیده می‌تواند دارای تاثیر متفاوتی باشد. بر این اساس چنانچه زیان‌دیده و مامور در حادثه نقشهای مباشر

و سبب را داشته باشند حادثه به هر یک از آنان که مستند شود مسئولیت زیان را بر عهده خواهند داشت. اگر حادثه به زیان دیده مستند شود مامور از مسئولیت مدنی معاف خواهد بود و چنانچه حادثه هم به مامور و هم به زیان دیده منتسب باشد در صورتی که تاثیر رفتار آنان یکسان باشد، به طور مساوی ضامن هستند؛ اما اگر تاثیر اقدامات زیان دیده و مامور متفاوت باشد معیار تعیین مسئولیت بر اساس درجه تاثیر حاکم خواهد بود و طرفین به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند.

منابع

- ۱- باریکلو، علی رضا (۱۳۹۳) *مسئولیت مدنی*. چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- ۲- شعاریان، ابراهیم و منصور جباری (۱۳۸۸) *مسئولیت مدنی پلیس*. تهران: انتشارات فروزش.
- ۳- عباسلو، بختیار (۱۳۸۹) «مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری». *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۸۷ - ۱۳۰.
- ۴- عباسلو، بختیار (۱۳۹۰) *مسئولیت مدنی (با نگرش تطبیقی)*. تهران: نشر میزان.
- ۵- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲) *الزامهای خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی - قواعد عمومی)*. جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱) *قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)*. چاپ سی و پنجم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

7- Franklin, C.J. (1993). *The Police Officer's Guide to Civil Liability*. Springfield, IL: Charles CThomas.

8- Girod Robert J. (2014) *Police Liability and Risk Management*, Published CRC press Taylor & francis Group, boca raton London New York.

9- Harpwood Vivienne (2009) *Modern tort law*, ۷ Edition, published by Routledge-Cavendish.

10- Kappeler, V. E. (2006) *Critical issues in police civil liability*, 4th edition Long Grove, IL: Waveland Press, Inc.

- 11- Koch Bernhard A. (2008), Tort and Ivsurance Law, Economic Loss Caused By Genetically Modified Organisms, Edited By European Tort Law Of The Austrian Academy Of Science.
- 12- Larry k.gaines, Victor E. Kappeler(2015), Policing in America, 8th edition, Published Routledge Taylor & francis Group, London and New York,.
- 13- Minzer, M., J. Nates, C. Kimball, D. Axelrod & R. Goldstein (2002) Negligence. New York, NY: Matthew Bender & Co.
- 14- Prosser, W.L. & R.E. Keeton (1986). Tort Law, ° Edition. St. Paul, MN: West Publishing Co.
- 15- Ross Darrel L. (2015), Civil liability in criminal justice , Sixth Edition, Published Routledge Taylor & francis Group, London and New York.
- 16- Schwartz Victor E and Evelyn F. Rowe(۲۰۱۰), Comparative Negligence § 2.01 [b]LexisNexis°th ed.
- 17- Silver, I. (2008). Police Civil Liability. New York, NY: Matthew Bender & Co.
- 18- Wickert Matthiesen & Lehrer(2015), Contributory Negligence/Comparative Fault Laws In 50 States(www.mwl.com)

آرای دادگاهها

- 19- Baskett v. Banks(1947), 45 S.E.2d 173(Va.1947)
- 20- B.G.S, Inc v. gross(2001), 23 p.3d 691(co.2001)
- 21- Board of county comm,r of garrett county v.Bell Atlantic(1997), 695 A.2d 171(MD 1997)
- 22- Brittingham v. layfield(2008) 962 A.2d 916(Del.2008)
- 23- Butterfield v. Forrester(1809), 103 Eng. Rep. 926 (1809)
- 24- City of Ellisville v. Richardson(2005), 913 So. 2d 973 (Miss. 2005)
- 25- Corr v IBC Vehicles Ltd (2008)
- 26- Davies v. Mann, Exchequer(1842), 10 M.&W. 546, 152 Eng. Rep. 588 (1842)
- 27- Del Tufo v. Township of Old Bridge(1996), 685 A.2d 1267 (N.J. 1996)
- 28- Diaz v. Carcamo(2011) 253, p.3d(call 2011)
- 29- Ellis v William Cook Leeds (2007)
- 30- Eyres v Atkinsons Kitchens & Bedrooms Ltd (2007)

- 31- Fitzgerald and Lane v Patel (1989)
- 32- Fookes v Slaytor (1978)
- 33- Froom v Butcher (1976) QB 286
- 34- Fruge v. City of New Orleans(1993), 613 So. 2d 811 (La. Dist. Ct. App. 1993)
- 35- Gustafson v. Benda(1983) , 661 s.w.2d 11 (mo 1983)
- 36- John Cowley & Bros, Inc.V.Brown(1990), 569 So.2d 375(Ala.1990)
- 37- Kussman v. Denver(1985) 706 p.2d 776 (colo 1985)
- 38- Li v. Yellow Cab(1975), 119 cal(1975)
- 39- Maple v. City of Omaha(1986), 384 N.W.2d 254 (Neb. 1986)
- 40- McCrory v. New Orleans(1990), 558 So. 2d 1322 (La. Ct. App. 1990)
- 41- McIntyre v. Balentine(1992) 833 s.w.2d 52(Tenn.1992)
- 42- Miga v. City of Holyoke(1986), 497 N.E.2d 398 (Mass. 1986)
- 43- Murdock v. City of Keene(1993), 623 A.2d 755 (N.H. 1993)
- 44- Power Co V.Schotz(1968), 215 So. 2d 447(Ala.1968)
- 45- Ross v. Paddy(2000), 340 S.E.2d 612(Ct.App. 2000)
- 46- Saunders v. County of Steuben(1998), 693 N.E.2d 16 (Ind. 1998)
- 47- Scott v. Rizzo(1981), 634 p.2d 1234 n.m.1981
- 48- Smith v. Bradford(1985), 475 So.2d 526 (Ala. 1985);
- 49- Smith v. Fiber controls corp(1980), 268 S.(N.C.1980)
- 50- Smith v. Smith(1824), 19 Mass. 621 (1824)
- 51- Thrash v. Aldridge(2003), No. 01 C 9366, 2003 U.S. Dist. Lexis 22769 (N.D. Ill. 2003)
- 52- Thomas v. City of Parma(1993), 624 N.E. 2d 337 (Ohio Ct. App.1993)
- 53- Waterman v. Batton(2003), 294 F. Supp. 2d 709 (M.D. Maryland, 2003)
- 54- Wingfield V. People,s Drug store(1994), 379 A.2d 685(D.C.1994)

